

---

---

## فردوسی ولف نوشین

بنفشه حجازی

کتابخانه مرکزی

---

---

«استاد مجتبی مینوی از این رنج می برد و بحق هم رنج می برد که جهانیان قدر شاهنامه - این شاهکار بزرگ ایرانی - را پیش از خود ما شناخته اند. ۱۷۹ سال پیش<sup>۱</sup> لمسدن انگلیسی، ۱۶۱ سال پیش ترنرماکان انگلیسی در کلکته، ۱۵۳ سال پیش ژول مول فرانسوی در پاریس، و ۱۱۳ سال پیش ولس هلندی در لیدن چاپهای به نسبت معتبری از شاهنامه را به بازار ارائه کردند، و در سالهای اخیر برتلس و دیگران چاپ جدیدی را آغاز نمودند، و جامع ترین فرهنگ لغات شاهنامه ۵۵ سال پیش بدست ولف آلمانی بعد از سالها صرف وقت منتشر شد که دوبار به چاپ رسید. همچنین ترجمه های متعددی به زبانهای مختلف و صدها کتاب و مقاله تحقیقی درباره فردوسی و شاهکار او منتشر گردیده است.<sup>۲</sup>»

سال ۱۳۶۹ نیز به همت یونسکو هزاره تدوین شاهنامه در دانشگاه تهران برگزار شد. جای آن دارد که در مقام تشکر از زحمات یکی از این پیشروان تحقیق درباره شاهنامه فردوسی، او و اتر ارزشمندش را بیشتر و بهتر معرفی کنیم: فریتس ولف Fritz wolff و فرهنگ لغات شاهنامه Glossar zufirdosis Schahname «در این سالها، فرهنگ ولف، بهره های فراوان به محققین و

این پژوهندگان از او یاد کرده‌اند و گاه استفاده‌هایی دیگر از فرهنگ ولف شده است بی آنکه از آن یاد شود. در حالی که برخی از بررسیها در موضوعی خاص و واژه‌یابی‌ها از شاهنامه به یاری همین مرجع انجام پذیرفته است.

«از سوی دیگر، برخی بر اثر ناآگاهی از این فرهنگ و یا مراجعه نکردن به آن عمر و توانی را به عبث برای بررسی و یا واژه‌یابی موضوعی در شاهنامه تلف کرده‌اند. حال آنکه این چراغ عمر را دیگری سوخته است تا دیگران از پرتو آن روشنی گیرند. این فرهنگ، سخت به کار همه دست‌اندرکاران شاهنامه-نه تنها زبان‌شناسان-می‌آید.»<sup>۳</sup>

«فریتس ولف در ۱۱ نوامبر ۱۸۸۰ در برلین بدنیا آمد و پس از گذراندن مدرسه متوسطه در همین شهر، برای ادامه تحصیل به مونیخ رفت و سپس در هایدلبرگ و مونیخ و آخرالامر در گیسن به تحصیل دانشگاهی ادامه داد و در سال ۱۹۰۵ نزد استاد بارتولومه، رساله دکتری خود را تحت عنوان «مصادر زبانهای هندی و ایرانی» نوشت و از آن با موفقیت دفاع کرد.

ولف پانزده سال در کتابخانه‌های علمی معتبر به تفحص و تحقیق پرداخت و در سال ۱۹۱۰ تمام اوستا را ترجمه و به بارتولومه تقدیم کرد که بار دیگر در سال ۱۹۴۰ تجدید چاپ شد. در ضمن ترجمه اوستا، ولف به فکر افتاد زبان شاهنامه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و این کاری بود بسیاری دشوار که قریب ۲۰ سال زندگانی ولف را صرف جمع‌آوری و ترتیب‌واژه‌ها کرد و آنقدر غرق کار خود شد که اصلاً بفکر نیفتاد که چه وقت و به چه وسیله‌ای این اثر قطور را می‌تواند به چاپ برساند.»<sup>۴</sup> تا اینکه این فرهنگ را دولت آلمان در سال ۱۹۳۴ (۱۹۳۵) برای شرکت در جشن هزاره فردوسی در برلین چاپ کرد (شعبه فرهنگی وزارت خارجه آلمان). فرهنگ شاهنامه فردوسی در سال ۱۹۶۵ به قطع وزیری از روی همان چاپ نخست، تجدید چاپ شد که شامل ۱۲ صفحه مقدمه و ۹۱۱ صفحه دو ستونی متن فرهنگ و ۱۰۹ صفحه جلد پیوست است.

«آخرین خوشحالی و خوشوقتی بزرگ زندگی ولف که با نگرانیهای روزافزون ناشی از حکومت ناسیونال سوسیالیست‌ها پیوسته تیره می‌شد این بود که

بیند لغت‌نامه او از چاپخانه دولتی منتشر می‌شود...

در سالهای بعد ولف تصحیح بقیه شاهنامه و لرس-لانداور، را در دست گرفت و توانست آن را به انجام برساند. آنچه که غوطه‌ور شدن او را در رنجه‌ها و ترس‌های زندگی‌یاری می‌کرد ایمان او به دین مسیح بود که بدان گرویده بود.<sup>۵</sup> به سبب یهودی‌الاصل بودن مقامات آلمان نازی به او امکان تدریس و فعالیت نمی‌دادند و او زندگی سختی را می‌گذراند و مایل بود تا آنجا که ممکن است وطن خود آلمان را ترک نکند و با اینکه پس از تقدیم فرهنگ لغات شاهنامه به دولت ایران، از طرف دولت ایران دعوت شده بود تا در دانشگاه تهران بتدریس «اوستا» و زبان‌های باستانی بپردازد ولی بیماری به او مجال سفر نداد تا اینکه در سال ۱۹۴۳ همانند میلیون‌ها نفر دیگر به مرگ وحشتناکی در گذشت.

«آورده‌اند میان زندگی و سرنوشت او و فردوسی شباهتی هست. خود او در سرآغاز کتاب این بیت استاد توس را در همانندی خویش با او ذکر نموده:

من این نامه فرخ گرفتم به فال همی رنج بردم به بسیار سال  
باری، این واژه‌نامه شاهنامه «که در نوع خود در تاریخ ایران‌شناسی و مطالعات ایرانی بی‌نظیر است» در واقع یک کشف اللغات جامع است که تمام واژه‌های شاهنامه را با ذکر محل کاربرد آنها و اینکه یک واژه در کدامین ابیات و از چه فصولی آمده به ترتیب الفبایی واژه‌ها با یک تقسیم‌بندی منطقی در شرح و معنای آنها و نشان دادن ویژگی‌های لغوی و بیان کاربردهای دستوری، طبق اصول و روش علمی-فنی، یکجا گردآوری و فهرست کرده و بر پژوهشگران شاهنامه عرضه نموده است.

روش ولف در این فرهنگ چنین است که داستان هریک از شاهان را در شاهنامه به ترتیب تاریخی به عنوان یک فصل جداگانه و یک بخش از تقسیمات پنج‌گانه خود با شماره‌ای مشخص نموده است به دیباچه شاهنامه حرف E و به هجونا‌نامه حرف S و به نخستین فصل-یعنی داستان کیومرث شماره ۱ و... تا به داستان یزدگرد که شماره ۵۰ داده است. اما چون در پادشاهی کی کاوس و کی خسرو داستان‌های فرعی وجود دارد، از این رو، او نیز به آن داستان‌ها

شماره های فرعی داده است مانند داستان رزم کاوس با شاه هاموران به شماره فرعی ۱۲b و ... (یاد آوری این نکته لازم است که چون عدد ایات شاهنامه بر حسب نسخه ها تفاوت می کند، در هر یک از چاپ های آن، واژه مورد نظر ممکن است چند بیت پیشتر یا عقب تر از موضعی که فهرست ولف نشان می دهد، یافته شود.<sup>۶</sup>)

فهرست ولف بر اساس چاپ مول، ماکان، وولرس تدوین شده و نسخه هایی که در دسترس این سه محقق بوده اند البته از دستبرد نسخه نویسان در امان نمانده اند. «بیشتر دانشمندان ایرانشناس معتقدند که این متن ها دارای تحریفات و الحاقات است که ضرورت انتشار متن تازه ای را اجتناب ناپذیر کرده است. خود فریتس ولف گوشزد می کند که بعقیده برخی تا زمانی که متن منقحی در اختیار نیست تدوین یک لغتنامه شاهنامه کار عبثی است.»<sup>۷</sup>

ولی در هر حال کار این ایرانشناس گرانمایه آلمانی قابل تقدیر است و بحق باید اقرار کرد که ایرانیان عاشق شاهنامه و تمام دانشمندان جهان که بنحوی با ادبیات ایران سروکار داشته اند مدیون خدماتی هستند که این ایرانشناس به فرهنگ میهن ما کرده است. یکی از کسانی که سعی در معرفی ولف و اثر ارزشمند او نموده عبدالحسین نوشین است که «قریب ده سال در تصحیح و تنقیح شاهنامه چاپ مسکو که بتصدیق اغلب دانشمندان، بهترین شاهنامه ایست که تا بحال منتشر شده زحمت کشیده و قدیم ترین نسخه های شاهنامه را بکمک گرفته است.

عبدالحسین نوشین در جریان این تصحیح، پژوهشهایی نموده که در کتابی تحت عنوان «سخنی چند درباره شاهنامه» گرد آورده است. اجمالا به نظرات وی راجع به فرهنگ ولف - در این کتاب - اشاره می شود:

پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و بارانش، ناید گزید  
 «این کاخ بلند نظم نه تنها از باد و باران زمانه گزندى ندیده بلکه هر زمان استوارتر و پرشکوه تر گردیده، اما با هزاران دریغ و افسوس باید گفت که از گزند نسخه نویسان و فرهنگ نویسان و خوانندگانی که در متن شاهنامه دست برده اند، برکنار نمانده و آسیب فراوان دیده است، بطوریکه دو نسخه کهنه یا نو

شاهنامه یافت نمی‌شود که در آنها دویست بیت پی‌درپی، همسان و بی‌کاستی و فزونی باشد.

به موازات تحول زبان و شیوه گفتار در طی قرون هر نسخه‌نویس برای آنکه شاهنامه را به فهم خواننده زمان (شاه، امیر یا حاکمی که دستور نوشتن نسخه را داده است) نزدیکتر سازد، پاره‌ای از کلمات آن را تغییر داده، در جاهای بسیار شیوه سخن‌پردازی کهن شاهنامه را برهم زده و به اسلوب زمان خود در آورده است. هر آنچه که معنیش را نمی‌دانسته، انداخته و کلمه دیگری به جایش گذاشته است و گاهی مفهوم و فلسفه قطعه‌یی از شاهنامه را عوض کرده مطابق عرف و رسم زمان خود ساخته است.

دستبردهایی که نسخه‌نویسها در شاهنامه کرده‌اند معمولاً فهم و تصحیح متن را دشوار و گاهی ناممکن می‌سازد. از نسخه‌های خطی گذشته در فرهنگهای عمومی که شواهدی نیز از شاهنامه آورده‌اند و بخصوص در فرهنگهای ویژه شاهنامه نیز بدین علت نادرستیهای بسیاری هست.

فرهنگ لغات شاهنامه اثر فریتس ولف را دانشمندان ایران و خاورشناسان، جامع تمام واژه‌ها و کلمات بسیط و مرکب شاهنامه و معنی‌های مختلف نوانسهای گوناگون آنها می‌دانند. اما این فرهنگ نیز کم و کاستی و اشتباهاتی دارد. باید اضافه کرد که اگر صحبت از کاستی‌های این فرهنگ می‌شود منظور این نیست که ذره‌ای از ارزش کار این دانشمند که در نتیجه سالیان دراز کار و پژوهش، فهرستی گرانمایه برای استفاده، دوستان شاهنامه از خود به یادگار گذاشته است کاسته شود. هیچ چیز بی‌کم و کاست و بی‌لغزش و اشتباه در جهان وجود ندارد. معیار ارزش هر کار، اصل درست آن کار است نه کم و کاستیها و لغزشها، به شرط آنکه نادرست بیشتر از درست نباشد و این شرط در کار این دانشمند وجود دارد. از طرف دیگر بخشی از کم و کاستیها و لغزشها نداشته و فرهنگ خود را براساس شاهنامه‌های چاپی که نسخه‌های اساس آنها هم معتبرترین نسخه‌های موجود شاهنامه نیست، ترتیب داده است و هم چنین در برخی موارد از نادرستی فرهنگهای فارسی پیروی نموده و با احتیاط و به شیوه انتقادی با آنها روبرو شده

است و این خود دو عامل بزرگ در پیدایش این نقایص است و چون این خطاها به نوبه خود در گمراه ساختن خوانندگان و پژوهندگان شاهنامه تأثیر فراوان دارد باید آنها را بیرون کشیده، نادرستی آنها را به اثبات رساند و تصحیح کرد<sup>۸</sup>. حان به ذکر عناوین اشتباهات و لف بسنده می‌شود و خوانندگان محترم می‌توانند برای دانستن توضیحات عبدالحسین نوشین به کتاب «سخنی چند درباره شاهنامه» مراجعه نمایند:

۱. ناروان ۲. گاوپیسه ۳. رفت آوری ۴. زهش ۵. شافیدن<sup>۹</sup> ۶. بهایی ۷. ژنگ  
۸. دادراست ۹. آزر ۱۰. شمشیر گزار ۱۱. کرد کردن  
و گاهی دیده می‌شود که در حرکات و جایگزینی حروف در فرهنگ و لف دقت بعمل نیامده است.

در هر حال کتاب نوشین علی‌رغم حجم کم خود می‌تواند بعنوان مرجعی تنگاتنگ و همدوش کتاب قطور و لف مورداستفاده قرار گیرد. امید است که حاصل زحمات این دو محقق و پژوهشگر گرانقدر مورداستفاده بیشتر محققان ایرانی قرار گیرد.

والسلام

آذر ۱۳۶۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

### یادداشتها و منابع:

- ۱- این مقاله در سال ۱۳۵۶ ش. نوشته شده و ارقام مندرج در آن مربوط به ۱۳ سال پیش است که تصحیح شده آن آورده شده است.
- ۲- «متن کامل شاهنامه و فرهنگ جامع آن»، محمدامین ریاحی، روزنامه اطلاعات، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۶، ص ۲۱
- ۳- «فرهنگ شاهنامه فردوسی»، پرویز اذکائی، هنر و مردم، شماره ۱۵۴/۱۵۳ (تیر ۱۳۵۳) ص: ۱۸۹-۱۹۷
- ۴- «عبدالحسین نوشین و فهرست لغات شاهنامه و لف»، محمد عاصمی، کاوه (جدید)

ش. ۹ (۱۳۵۰) ص: ۱۱۲-۱۱۷

- ۵- نای، هفت بند، ابراهیم باستانی پاریزی، ص: ۳۳۱-۳۳۷
  - ۶- «فرهنگ شاهنامه فردوسی» پرویزاذ کایی، همان شماره. برای داشتن تطبیقات فصلهای شاهنامه در جلدها و صفحات آنها با نشانه‌های ولف به همین مقاله مراجعه نمایید.
  - ۷- «عبدالحسین نوشین و فهرست لغات شاهنامه» ولف، محمد عاصمی، همان شماره
  - ۸- «سخنی چند درباره شاهنامه»، عبدالحسین نوشین، ویراستار: م گودرز
  - ۹- برای اطلاع بیشتر راجع به دو کلمه «شافیدن» و «پخته» به مقاله «نگرشی در فرهنگهای شاهنامه» سیمرغ، ش. اسفند ۱۳۵۱، ص ۱۰۵-۱۲۵، رجوع کنید.
- با تشکر از خانم آذرمه سنجری که در مقابله لغات آلمانی به اینجانب کمک نمودند.

